

ادبیات و ما
نقد ادبی - اندیشه معاصر

۱

زور دست

حسن شکاری



تهران ۱۳۹۸

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
عنوان دیگر
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کتب
رده بندی بویی
شماره کتابشناسی

شکاری، حسن ۱۳۳۶ -
دور دست: زن در ادبیات ایران: زن در آثار محمدعلی جمالزاده /
حسن شکاری
تهران، دانو، ۱۳۹۸.
۱۰۰ ص.
۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۴۲-۷-۱
فیبا.
زن در آثار محمدعلی جمالزاده
زن در ادبیات ایران
جمالزاده، سید محمد علی، ۱۲۷۰-۱۳۷۶ - دیدگاه درباره زن
داستان های فارسی - قرن چهارده - تاریخ و نقد
Persian fiction - 20th century - History and criticism
زنان در ادبیات
Women in literature
PIR۸۰۰۹
۸۱۳۳/۱
۵۹۰۷۱۴۸

دور دست

حسن شکاری

چاپ اول
شمارگان
طرح روی جلد
حروف نگاری
چاپ
صحافی
قیمت
شابک

دانو ۱۳۹۸
۱۱۰۰
طراحان دانو، براساس حسن برجسته حسن شکاری
مجموعه «کتابخانه های ایرانی»
بابایی آقچه دریندی
پردیس دانش، خانی
پردیس دانش
۱۸۰۰۰ تومان
ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۴۲-۷-۱

حق چاپ محفوظ است



نشر دانو: تهران، خیابان ولی عصر، خیابان ابن سینا، خیابان سیزدهم، پلاک ۲۰، واحد ۸
تلفن: ۰۹۳۰ ۷۶۸ ۹۶۳۵ و ۸۸۷۱۰۷۲۱
nashr_dano@yahoo.com

هرگونه استفاده از جلد و متن کتاب (اعم از: زیرا کس، باز نویسی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD) بدون اجازه کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است. متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست

دور دست؛ زن در ادبیات معاصر ایران

- ۱- حسیه‌ای بر کتاب پیش رو ۹
- ۲- دیباچه ۱۲
- ۳- پیش‌گفتار و نگارش نویسنده ۱۵

زن در ادبیات معاصر ایران؛ زن در آثار محمدعلی جمالزاده

- ۴- بخش نخست ۲۱
- ۵- بخش دوم ۲۷
- ۶- بخش سوم ۳۵
- ۷- بخش چهارم ۴۱
- ۸- بخش پنجم ۴۷
- ۹- بخش ششم ۵۵
- ۱۰- بخش هفتم ۶۵
- ۱۱- بخش هشتم ۷۱
- ۱۲- بخش نهم ۷۹
- ۱۳- نمایه ۸۹

دیباچه

در میان آثار برگزیده نویسندگان بزرگ معاصر، آثاری وجود دارد که یا «زن» هسته‌ن‌هاست و تمام عناصر به‌گرد این هسته می‌چرخند و شکل می‌گیرند، و یا «زن» به‌عنوان یکی از عمده‌ترین و برجسته‌ترین عناصر، تأثیری عمیق بر کلیت این آثار گذاشته است. زیرا این آثار درخشان که از انسان جانمایه گرفته‌اند و اساساً خلاقیت ادبی در این آثار به مفهوم پرداختن به انسان و زندگی‌اش بوده است، نویسنده راناکزیر ساخته تا رویکرد اثر خود را با زندگی او درآمیزد و بنابر این اساس و بنابر ضرورتی خاص - شاید - ویژگی‌های دورانی با اهمیت، این نیاز در او جان گرفته است که به زن بپردازد؛ آن‌که نویسنده می‌خواهد نیم دیگر بشریت را بشناسد و بشناساند؛ لحظاتی که نویسنده را شناخته‌ها را در زن جستجو می‌کند تا شاید در او کشف‌شان کند؛ دورانی که نویسنده دیگر نمی‌تواند جهان را از پشت پلکهای یک مرد ببیند و با دستهای یک مرد آن را بخارد؛ آن سال‌هایی که نویسنده مردها را در مانده و ناتوان می‌یابد و زنی می‌خواهد که به واسطه وجود او، به کمک و تباری او زندگی را دریابد، به کمک حس او، غریز او، ادراک او، و به مدد توانایی‌های پنهان او به جستجو درافتد. دورانی که نویسنده از مردان به‌خاطر خودسری و خودکامگی و جاه‌طلبی‌شان روی گردانده، به زنان رو می‌کند، شاید به این دلیل که آن‌ها افسون قدرت نمی‌شوند، لذتی در کشف و تجربه قدرت نمی‌یابند و در نتیجه به دنبال آن نمی‌روند، چشم به زندگی و بارورتر کردن آن دارند و نه تسلط بر آن، و به این دلیل، به بیراهه نمی‌روند، فقط به بار می‌نشینند و

بارمی آورند؛ لحظاتی نادر که این خواست در نویسنده پا گرفته است تا با چشمان «زن» به دنیا بنگرد، همقدم با او شود، همدل و همزبان با او، و شریک در سرگذشت او تا به درک و تجربه زندگی با همه بزرگی و کوچکی اش برسد.

نادرند چنین لحظاتی، ولی اگر نویسنده‌ای به چنین لحظاتی رسیده، سرچشمه‌ای دیگر برای نیک و بد زندگی یافته است. انگار زندگی به جریان دیگری درافتاده است. واقعیت‌ها از جنس دیگری شده‌اند. واژه‌ها مفهومی دیگر پیدا کردند. حتی رؤیاها و آرزوهای آدمی رنگی دیگر به خود گرفته‌اند و این همه، همه، نویسنده را به درکی دگرگون‌شده رسانده‌اند؛ درکی تازه و درخشانده؛ مثل آن که همه چیز صاف و ساده و صیقل داده شده است؛ مثل آینه و «این آینه جذاب است. هست او را تا آن جایی که فکر بشر عاجز است، به خودش می‌کشد»^[۱] تا او، انسان و زندگی را کامل‌تر از پیش ببیند، خود را در این آینه بازشناسد و در این آینه منشأ همه هستی انسان را پیدا کند، انسان را بیابد و زندگی را، و زایش و آفرینندگی را پی گیرد.

این لحظات نادرند، اما اگر برسند، سببیت می‌یابند و نویسنده به چنگ می‌گیردشان، ثبت‌شان می‌کند، به آن‌ها شکل می‌دهد و جامه‌ای از کلام بر آن‌ها می‌پوشاند. هر کلمه بر هر لحظه، و این لحظات گداز در دژ ماندنی می‌شوند. هر یک، با خود تکه‌ای از طرحی نو می‌آورد. طرحی نه از رویای تازه و پرده‌ای به بزرگی یک سرزمین و به شکل و محتوای همه زندگی با او و خویش پیش نگاه نویسنده کشیده می‌شود و شگفتی به دنبال می‌آورد. آن چه تا آن لحظه (نویسنده) دیده، شاید هیچ شباهتی به آن چه از این پس می‌بیند ندارد. پرده رگه‌ای کن و زندگی تازه را می‌کاود. همین، همه هوش و حواس نویسنده را مجذوب خود می‌کند، همین که کسی در پرده می‌جنبد، نگاهش جان می‌گیرد، تنش به حرکت و جنبش درمی‌آید و پا از پرده بیرون می‌گذارد! هم او که نگاهش مانند نگاه هیچ مردی نیست یا رفتارش! او کیست؟ او یک زن است. زنی که شاید نویسنده تاکنون چنین عمیق نگاهش نکرده است.

انگیزه‌هایی که سبب خلق چنین آثاری شده‌اند بی‌شمارند و بر شمردنشان بی‌شک — اگر محال به نظر نرسد — در پس شناختی عمیق و همه‌جانبه از نویسنده و دوران خلق اثر، کاوش ژرفای تأثیر این دوران بر آن‌ها، بازنگری چند و چند باره این آثار و ... جستجوی علل پیچیده ممکن می‌شود و از همه مهمتر دانشی آگاه بر دانش این نویسندگان که چنین دانشی را فقط در خود آن‌ها باید جست. ولی آنچه به تحقیق گفتنی است، وجود «زن» در چنین آثاری ارزشمند و گرانایه، سرچشمه و منشائی است که تمامی وقایع از آن تأثیر گرفته‌اند و زندگی این زنان، برگزیده دورانی از تاریخ است که در واقعیت بخشیدن و دگرگون کردن این دوران، نگاه از مردان پیشی گرفته‌اند، در تب و تاب بیشتر گرفتار آمده‌اند، حوادث زیخ‌تر را، سر گذرانده‌اند، دستی اگرچه ناآشکار در کار شکل دادن وقایع داشته‌اند. قالب‌شان برای زندگی و سرنوشت انسان بیشتر تبیده است، در کارزار زندگی زخمی‌تر از مردان شده‌اند و با این همه، ابتدا — و چون همیشه — به تیمار مردان‌شان پرداخته‌اند، هر همه بستن خود را صمیمانه به گرو گذاشته‌اند تا از شوربختی انسان بکاهند. در سرنوشت سازترین لحظات، آنجایی که به هیچ روی گمان نمی‌رفته که زنی پا پیش بگذارد، این «زن» به سهم یک انسان — البته با این ادعا اما خیلی بیش از این و خارج از حد توانایی‌های یک انسان — پیشقدم شده و جریان زندگی را به سود یک مردم، به سود داده و دل و جان به آن سپرده است. و غیرقابل تصوّر آن که، از این راه سیران گذشته و از خود چهره‌ای فراموش‌ناشدنی نشان داده و در یادها اسطوره‌ای مقابله‌ای و پایداری انسان در برابر شرایطی دشمن‌خو شده؛ آن که زندگی را گرامی داشته است.

پائیز یک‌هزار و سیصد و شصت و شش

تهران. حسن شکاری

پی‌نوشت:

(۱) بوف کورا؛ ص ۱۳: صادق هدایت.